

O افسانه شاپوری

پسر آب، زبان حیوانات جنگل را می دانست و از آن‌ها چیزهای زیادی آموخته بود. گرگ، دوست صمیمی او نیز در جنگل زندگی می کرد. پسر آب، برای مدتی به سفر رفت. هنگام بازگشت به دهکده، فصل پاییز بود و زمان برداشت ذرت و مردم دهکده، به بیماری سختی مبتلا شده بودند. پدر بزرگ که «جغد سنگی» نام داشت، از پسر آب خواست تا نزد حیوانات جنگل برود و از آنان یاری بخواهد. پسرک در میان راه، به سبب تاریکی هوا، به پرتگاهی سقوط کرد، اما حیوانات او را نجات دادند و درمان بیماری را به او آموختند.

اسطوره یا افسانه؟

میرچاه‌الیاده، در کتاب چشم‌انداز اسطوره، درک معنای حقیقی اسطوره را در گرو بررسی آن دسته از جوامع کهن می‌داند که در آن‌ها اساطیر هنوز زنده‌اند.

امروزه دانشمندان مغرب‌زمین، اسطوره را نه به معنای Fable (داستان تمثیلی حیوانات) و Fiction (ادبیات داستانی)، بلکه به همان مفهومی که در جوامع کهن مراد است، در نظر دارند. با این همه، معنای حقیقی اسطوره که سنت قدسی، وحی اصلی و آغازین و الگوی نمونه‌وار است، همواره با مفاهیم دیگری در زبان جاری خلط می‌شود. دلیل توجه‌یالیاده به جوامع سنتی، آن است که به عقیده او، جوامع ابتدایی به رغم تغییرات و دگرگونی‌هایی که داشته‌اند، هنوز حالت و موقعیت ابتدایی بشر را بازتاب می‌دهند و به عبارتی، این اساطیر زنده، مبنای رفتار و فعالیت آدمی محسوب می‌شوند و آن را تبیین و توجیه می‌کنند. یالیاده، اسطوره را واقعیت فرهنگی پیچیده‌ای می‌شمارد که می‌توان از دیدگاه‌های متفاوت، آن را مورد بررسی قرار داد. وی در ادامه، تعریف جامعی از اسطوره به دست می‌دهد. به عقیده او، اسطوره نقل‌کننده سرگذشتی قدسی و مینوی و راوی واقع‌های است که در زمان اولین، زمان شگرف بدایت همه چیز، رخ داده است. اسطوره می‌گوید که چگونه از دولت موجودات مافوق طبیعی، واقعیتی، چه کل واقعیت نظیر کیهان، یا فقط جزئی از واقعیت نظیر جزیره‌ای، نوع نباتی خاص، کرداری انسانی، نهادی، پا به عرصه وجود نهاده است. آدم‌های اسطوره، خدایان و موجودات مافوق طبیعی‌اند و خاصه به سبب کارهایی که در زمان پراچ و اعتبار سرآغاز همه چیز انجام داده‌اند، شهرت دارند.<sup>۱</sup> احتمالاً، کتاب حاضر، «هدیه حیوانات» نیز با

# اسطوره‌ای که می‌خواهد امروزی شود



○ نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۱  
○ شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه  
○ تعداد صفحات: ۲۸ صفحه  
○ بها: ۴۵۰ تومان

○ عنوان کتاب: هدیه حیوانات  
○ نویسنده: سی. جی. تیلر  
○ مترجم: سیروس طاهباز  
○ تصویرگر: سیروس آقاخانی  
○ ناشر: ماه‌ریز

توجه به خلط مفاهیم مورد استفاده در زبان اصلی که روایتی است که از سی. جی. تیلر، با عنوان افسانه سرخ پوستی معرفی شده است که به عقیده بررس، یک اسطوره سرخ پوستی است نه افسانه.

تمایز میان اسطوره و افسانه، در کتاب چشم اندازهای اسطوره، به خوبی تبیین شده و الیاده، ویژگی‌هایی برای آن قائل است که مضمون این کتاب را نیز دربرمی‌گیرد. این مضامین شامل داستان‌هایی است از خدایان و موجودات مافوق طبیعی و قهرمانان ملی یا حیواناتی که با نجات قوم و قبیله خود از دست غولان و دیوان، یا رهایی از چنگ قطعی و مصائب دیگر، منجی قوم خود می‌شوند.

پسر آب، موجودی مافوق طبیعی است. او زبان حیوانات را می‌داند و به خوبی با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کند. تمام مردم دهکده، به بیماری ناشناخته‌ای مبتلا می‌شوند و با مرگ فاصله چندانی ندارند. حیوانات جنگل، با بخشیدن

پاره‌ای از وجود خود، طی مراسمی آیینی (رقص بزرگ زندگی)، درمان بیماری را به پسر آب عرضه می‌کنند و او مردم دهکده را از مرگ حتمی نجات می‌دهد.

اسطوره، روایتی شفاهی است که به صورت مکتوب درمی‌آید. بنابراین، نشانه‌پردازی‌ها ابتدا کلی است و تنها مفاهیم بنیادی و اساسی در آن مطرح می‌شود. اما به مرور زمان، با هر بازنویسی، مؤلف تغییرات تازه‌ای به آن می‌دهد و حالات و عواطف خود را در آن منعکس می‌سازد. به این دلیل است که در اسطوره «هدیه حیوانات»، شاهد تغییراتی هستیم که احتمالاً در روایت ابتدایی آن وجود نداشته است. توجه به جزئیات در نشانه‌پردازی‌ها و گفت‌وگوی حیوانات جنگل، تمهیداتی است که مؤلف برای امروزی کردن متن، از آن بهره برده است.

#### نقد و بررسی تصاویر

تصویر صفحه اول، تکراری و بخشی از تصویر صفحه سوم است. این تصاویر (ص ۱ و ۳)، با رنگ آمیزی‌هایی که مایه‌هایی از رنگ سبز سیر و زرد دارند، فضای جنگل و محل شکار پسر آب را تداعی می‌کنند (تصاویر اسب‌ها در صفحه ۳ ارتباطی با متن ندارد).

کنتراست تیرگی و روشنی رنگ‌های به کار رفته در دو بخش بالا و پایین تصویر ص ۳، به جذابیت تصویر افزوده، اما ارتباط آن با متن برقرار نشده است و تنها در این حد است که حسی از فضای جنگل، درختان سبز و درهم آن را تداعی می‌کند. متن: «یک تابستان پسر آب به سفر رفت و

مدتی از دهکده دور ماند. وقتی که به دهکده‌اش برمی‌گشت، رنگ برگ درخت‌های جنگل عوض شده بود این نشان می‌داد که پاییز است و هنگام درو نزدیک و او باید در دهکده باشد و کار کند... پسر آب با دوستش گرگ جنگل خداحافظی کرد و با شتاب، راه خانه را در پیش گرفت. اما همان‌جا که به دهکده نزدیک می‌شد، از سکوتی که در همه جا بود، تعجب می‌کرد. هیچ کس در مزرعه‌ها نبود. هیچ بجه‌ای کنار دریاچه بازی نمی‌کرد.

### احتمالاً، کتاب حاضر، «هدیه حیوانات» نیز با توجه به خلط مفاهیم مورد استفاده در زبان اصلی که روایتی است که از سی. جی. تیلر، با عنوان افسانه سرخ پوستی معرفی شده است که به عقیده بررس، یک اسطوره سرخ پوستی است نه افسانه

هیچ دودی از دودکش کلبه‌ها بالا نمی‌رفت. ص ۴ و ۵

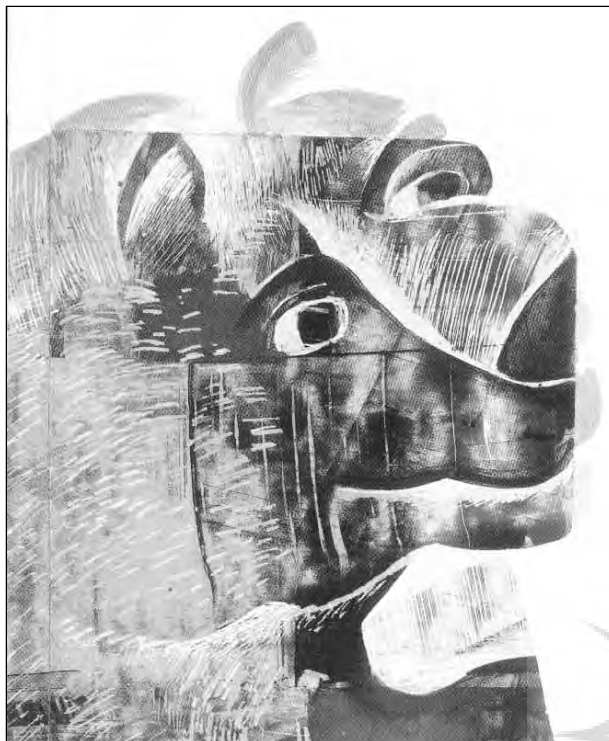
نقد تصویر: تصویرگر در این دو صفحه (۴ و ۵)، از تعادل غیرقرینه بهره برده است.

خطی که دو صفحه را از یکدیگر جدا می‌کند، با فواصل مساوی از تصویر پسرک، سمت راست و تصویر گرگ جنگل، سمت چپ قرار گرفته است. اگرچه دو بخش از لحاظ سنگینی بصری مساوی است، تضاد یا کنتراست رنگ‌های سرد (آبی و سبز) در تصویر پسر آب (که هم تداعی گر نام پسر - پسر آب - است و هم مخاطب را از مشکلی که پسر با آن مواجه خواهد شد، آگاه می‌کند و رنگ‌های گرم (قرمز و زرد) در تصویر گرگ جنگل، ایجاد تحرک و هیجان می‌کند و احساسات مخاطب را برمی‌انگیزد. ضمناً رنگ قرمز بالای سر و نیمه اندام پسر، ارتباط و دوستی او را با گرگ، به دلیل رنگ آمیزی خاصی که دارد، تداعی می‌کند. (ص ۴ و ۵)

متن: «گرگ فریاد کشید: برادرانم! بیایید. دوست ما پسر آب کمک می‌خواهد». ماه درخشان‌تر تابید و راه را روشن کرد. با شنیدن صدای گرگ، حیوانات به آنجا آمدند. اول از همه خرس رسید و به گرگ کمک کرد تا پسر آب را به جای راحتی ببرند. گوزن، شاهین و لاک‌پشت هم آمدند و نگران حال دوست‌شان شدند. سمور آبی آخر از همه رسید و پرسید چه شده است؟»

نقد تصویر: خرس اولین حیوانی است که با فریاد گرگ از راه می‌رسد و تنها اوست که سمت چپ و پایین صفحه تصویر شده است. جهت نگاه خرس

به سوی بالا و افق وسیع رو به روست. فضای باز و سفید رنگی که در مقابل او قرار دارد، از وقوع اتفاقاتی خبر می‌دهد که به حل مشکل پسر آب و مردم دهکده می‌انجامد. حذف تصاویر حیواناتی چون گوزن، شاهین،



لاک‌پشت و سمور آبی و جایگزین کردن رنگ سفید به جای آن‌ها، یاری همه‌جانبه و صادقانه حیوانات جنگل را نوید می‌دهد. قدرت تصویرگر و ابتکار او در ترسیم تصاویر کتاب، به خوبی مشهود است (تصاویر صفحات ۴ و ۵ و ۱۵، خلاصانه و تفکربرانگیزند). با وجود این، در کار تصویرگری کتاب کودک، نکاتی دارای اهمیت است که تصویرگر توجه زیادی به آن‌ها نداشته است:

الف: بی‌ارتباطی تصاویر با متن، به دلیل بی‌توجهی به فضای اسطوره در بعضی تصاویر (ص ۱ و ۳ و ۷ و ۸ و ۹). تصویر ص ۹ فضای خانه‌های شهری را به یاد می‌آورد.

ب: عدم وجود فضا سازی‌های مناسب و هماهنگ با متن در اکثر تصاویر کتاب (ص ۷ و ۸ و ۹) و در نتیجه، حذف حرکت تصاویر، متناسب با اوج و فرود در متن.

#### پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - الیاده، میرچا: چشم‌اندازهای اسطوره، ترجمه جلال ستاری، ناشر: انتشارات توس
- ۲ - رنگ‌های سرد، دل‌گیری، بیهودگی و بی‌بازی را بیان می‌کنند.
- ۳ - رنگ‌های گرم در کنار هم جسور، غنی و زنده جلوه می‌کنند.